

اعتبار حقوقی اساسنامه‌های شرکت‌های ملی نفت، گاز و پتروشیمی، با نگاهی به نظرها و رویه‌ی شورای نگهبان

سید محمدهادی راجی^{۱*}، یحیی مزروعی ابیانه^{۲**}

۱. دکتری حقوق عمومی دانشگاه شهید بهشتی (ره)، تهران، ایران

۲. کارشناس ارشد حقوق عمومی دانشگاه تهران، تهران، ایران

پذیرش: ۱۳۹۳/۸/۲۵

دریافت: ۱۳۹۳/۴/۲۰

چکیده

اساسنامه‌های سه شرکت از شرکت‌های اصلی تابعه‌ی وزارت نفت (شرکت‌های ملی نفت، گاز و پتروشیمی)، در سال ۱۳۵۶ حسب مورد به تصویب دو مجلس وقت یا کمیسیون‌های آنها رسیده است. ولی از سال ۱۳۸۳ تاکنون شورای نگهبان با توجه به عدم تصویب اساسنامه این شرکت‌ها توسط مجلس شورای اسلامی، در اعتبار حقوقی اساسنامه‌های مذکور و به تبع در وجود آن شرکت‌ها ابهام وارد کرده و هر مصوبه‌ای را که مجلس به نام شرکت‌های مذکور اشاره کرده، دارای ابهام دانسته است. از این رو این سؤال مطرح شده که آیا اساسنامه‌های مذکور کماکان اعتبار حقوقی دارند یا خیر. این نوشتار با روشی تحلیلی در پی پاسخ به این پرسش بوده و با توجه به اینکه ادله‌ای که می‌توان برای بی‌اعتباری اساسنامه‌های مذکور ارائه کرد، مخدوش است و دلیل موجهی برای لغو یا نسخ کلی اساسنامه‌های مزبور وجود ندارد، آنها را کماکان معتبر می‌داند، مگر در مواردی که قوانین بعدی، احکامی مغایر با اساسنامه‌های مذکور داشته و آنها را نسخ کرده باشند.

کلیدواژه‌ها: اساسنامه، اعتبار حقوقی، شورای نگهبان، شرکت ملی نفت، شرکت ملی گاز، شرکت ملی صنایع پتروشیمی، نسخ.

مقدمه

اساسنامه عبارت است از «مقررات یا قراردادی که برای طرز کار یک جمعیت (در حقوق عمومی یا خصوصی) مقرر و معین می‌شود» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰: ۳۳). تمامی شرکت‌ها اعم از دولتی و غیردولتی به اساسنامه نیاز دارند و شرکت بدون اساسنامه، از حیث حقوقی قابل پذیرش نیست. یکی از مدارک لازم برای ثبت شرکت‌های خصوصی، «اساسنامه‌ی» آن شرکت است (ماده‌ی ۲۰ لایحه‌ی قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷) و برای اشخاص عمومی نیز همواره مقرراتی در خصوص نحوه‌ی عملکرد، وظایف و اختیارات، ارکان آن شخص و سایر موارد پیش‌بینی می‌شود.

مجلس شورای ملی در تاریخ ۱۳۵۶/۳/۱۷ قانون اساسنامه‌ی شرکت ملی نفت ایران را تصویب کرد و سپس در آبان‌ماه همان سال «اساسنامه‌ی شرکت ملی گاز ایران» و «اساسنامه‌ی شرکت ملی صنایع پتروشیمی» به تصویب کمیسیون‌های مجالس ملی و سنا رسید. در آن زمان نهادی به نام «وزارت نفت» در ایران وجود نداشت و «شرکت ملی نفت ایران» به‌نحوی این کارکرد را نیز بر عهده داشت و دو شرکت دیگر (شرکت ملی گاز و شرکت ملی صنایع پتروشیمی) زیرمجموعه‌ی آن محسوب می‌شدند. پس از انقلاب اسلامی، شورای انقلاب «لایحه‌ی قانونی تأسیس وزارت نفت» را در ۱۳۵۸/۷/۸ تصویب کرد و شرکت‌های مزبور را زیرمجموعه‌ی وزارت نفت قرار داد. ماده‌ی ۳ این قانون و همچنین ماده‌ی ۴ «لایحه‌ی قانونی متمم لایحه‌ی قانونی تأسیس وزارت نفت» که در خردادماه ۱۳۵۹ به تصویب شورای انقلاب رسید، اساسنامه‌های مذکور را تا تصویب اساسنامه‌ی جدید معتبر و لازم‌الاجرا دانست. پس از آن نیز در قوانین دیگر مثل قانون نفت مصوب ۱۳۶۶، بر تصویب اساسنامه‌ی جدید برای شرکت‌های مذکور تأکید شده و دولت^(۱) مکلف به ارائه‌ی لایحه در این خصوص شده، ولی این امر تاکنون محقق نشده است.

اساسنامه‌های مذکور تا اواخر سال ۱۳۸۳ بدون هیچ ابهام و ایرادی در خصوص اعتبار، مجرا بود، ولی شورای نگهبان در ۱۳۸۳/۳/۳ در مورد لایحه‌ی برنامه چهارم توسعه و پس از آن در ۱۳۸۳/۱۲/۲۳ در خصوص لایحه‌ی بودجه‌ی سال ۱۳۸۴ اعتبار اساسنامه‌های مذکور را با ابهام مواجه کرد و لذا تمام بندهایی را که نام شرکت‌های سه‌گانه‌ی مذکور در آن‌ها آمده بود، دارای ابهام دانست. این ابهام در بودجه‌های سال‌های بعد تاکنون نیز تکرار شده و اصولاً در هر مصوبه‌ای که نام شرکت‌های مذکور بیان شده، شورای نگهبان آن را دارای ابهام دانسته است، تا جایی که عبارت‌هایی همچون «ابهام معموله‌ی مطروحه در قوانین بودجه در مورد اساسنامه‌ی شرکت نفت» را می‌توان در نظرهای مختلف شورای نگهبان در خصوص مصوبات مجلس مشاهده کرد.^(۲)

با توجه به فرایند مذکور، سؤالی که در این خصوص به ذهن می‌رسد این است که آیا اساسنامه‌های مذکور کماکان معتبر است یا اینکه باید آن‌ها را منسوخ یا ملغی دانست. به بیان دیگر، آیا ابهام ایرادگونه‌ی مذکور وجود دارد و می‌توان چنین ابهامی را پذیرفت. اهمیت پاسخ به این پرسش از آن نظر است که شورای نگهبان در مقام تطبیق مصوبات مجلس با موازین شرعی و قانون اساسی، به‌نحوی متمایل به اعتبار نداشتن اساسنامه‌های مذکور است و همین موضع، آثاری تقنینی در پی دارد و مجلس و دولت را به عبارت‌پردازی خاصی در طرح‌ها و لوایح و مصوبات مجبور کرده است. در صورت پذیرفتن این ابهام و نامعتبر تلقی کردن اساسنامه‌های شرکت‌های مذکور، باید در عملکرد این شرکت‌ها طی این مدت نیز خدشه وارد کرد و آن را نافذ ندانست، ولی اگر ابهام ناموجه تلقی شده و اساسنامه‌های مذکور معتبر دانسته شود، به‌تبع تصمیمات و اقدامات شرکت‌ها نیز نافذ و صحیح خواهد بود.

براساس بررسی‌های نگارندگان، مقاله یا مطلبی در قالب‌های علمی در پاسخ به پرسش مذکور وجود ندارد. در بین نظرهای شورای نگهبان، مشروح مذاکرات مجلس و اظهار نظرهای مقامات و کارشناسان مطالبی به‌صورت پراکنده دیده می‌شود که البته انسجام و فراگیری لازم را ندارد. در این مقاله از این مطالب بهره خواهیم گرفت.

این مقاله با شیوه‌ای تحلیلی در پی پاسخ به پرسش مذکور است و در این مقام می‌کوشد پاسخ‌های محتمل را ارائه و بررسی کند تا در نهایت اظهار نظر شفاف‌تری در این موضوع ارائه دهد. فرضیه‌ی نگارندگان در این زمینه این است که کلیت اساسنامه‌های مذکور همچنان معتبر است و صرفاً در احکامی که نسخ صریح یا ضمنی وجود دارد، باید مقررات جدید را جایگزین آن دانست.

در ادامه ذیل دو بخش، دیدگاه عدم اعتبار اساسنامه‌های مذکور و دلایل آن (۱) و دیدگاه لازم‌الاتباع بودن اساسنامه‌های مزبور و دلایل آن (۲) طرح و بررسی شده و از خلال این بررسی تحلیلی، امکان پاسخ به پرسش مقاله در قسمت نتیجه‌گیری فراهم می‌شود.

۱. دیدگاه عدم اعتبار اساسنامه‌های شرکت‌های نفت، گاز و پتروشیمی

این دیدگاه نخستین بار در نظر شورای نگهبان در خصوص لایحه‌ی برنامه چهارم توسعه و سپس در نظر این شورا درباره‌ی بودجه‌ی سال ۱۳۸۴ مصوب مجلس مطرح شد. شورای نگهبان در جزء ۲ بند «الف» نظر شماره ۸۳/۳۰/۷۴۶۶ مورخ ۱۳۸۳/۳/۳ ماده ۳ را که احکامی در مورد شرکت ملی نفت و رابطه‌ی آن با وزارت نفت در بر داشت، دارای ابهام دانست و اعلام کرد: «ماده (۳) از این نظر که وضعیت اجرائی تبصره ماده ۴ قانون نفت مصوب ۱۳۶۶ با

رعایت اصل ۸۵ قانون اساسی در تصویب اساسنامه مشخص نیست» ابهام دارد (مرکز تحقیقات شورای نگهبان، ۱۳۸۴: ۵۶۱). مجلس هم در اصلاحاتی که ۱۳۸۳/۵/۲۸ انجام داد، کل ماده مذکور را حذف کرد (مرکز تحقیقات شورای نگهبان، ۱۳۸۹ [الف]: ۷۴۱). شورای نگهبان در چند ماه بعد، در بند ۸ از نظر شماره‌ی ۸۳/۳۰/۱۰۵۷۲ مورخ ۱۳۸۳/۱۲/۲۳ ابراز کرد: «بند (ر) تبصره (۱۱) از جهت روشن نبودن وضعیت اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مبهم است. پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد. ابهام مزبور در همه مواردی که عنوان شرکت ملی نفت ایران، شرکت ملی گاز ایران و شرکت ملی صنایع پتروشیمی ذکر شده از جمله جزءهای (۱)، (۷) بند (ر) و بند (ژ) تبصره مذکور وجود دارد». مجلس برای رفع ابهام، عبارت زیر را به انتهای بند «ر» تبصره‌ی ۱۱^(۳) اضافه کرد: «دولت مکلف است اساسنامه‌های شرکت ملی نفت ایران، شرکت ملی گاز ایران و شرکت ملی صنایع پتروشیمی را تا پایان خردادماه ۱۳۸۴، با توجه به قانون نفت مصوب ۱۳۶۶ به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید. تا پایان سال ۱۳۸۴، امور نفت، گاز و پتروشیمی طبق مقررات حاکم موجود و این قانون اداره خواهد شد». با این اصلاح، شورای نگهبان مصوبه را تأیید کرد^(۴) (مرکز تحقیقات شورای نگهبان، ۱۳۸۹ [الف]: ۱۱۵-۱۱۷). پس از آن، شورای نگهبان بارها و در مواردی که نام شرکت‌های مذکور در مصوبه‌ی مجلس آمده، ابهام مذکور را مطرح کرده است. مجلس نیز برای رفع این ابهام عبارت «وزارت نفت از طریق شرکت‌های دولتی تابعه‌ی ذی‌ربط» را جایگزین نام شرکت‌های مزبور کرده و ابهام شورای نگهبان را زدوده است.^(۵)

با توجه به آنچه به‌عنوان «نظرهای استدلالی شورای نگهبان» یا «مبانی نظرهای شورای نگهبان مستنبط از مشروح مذاکرات شورای نگهبان» انتشار یافته، مبنای ابهام مذکور این است که اساسنامه‌ی شرکت‌های مزبور به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسیده و از این رو این شرکت‌ها فاقد اساسنامه‌اند و از این حیث، اصولاً وضعیت حقوقی آن‌ها نامشخص است.^(۷) در جای دیگر، مبنای این ابهام، تصویب اساسنامه‌ی این شرکت‌ها قبل از انقلاب اسلامی دانسته شده است. چراکه «به‌دلیل تصویب اساسنامه‌ی این شرکت‌ها قبل از انقلاب اسلامی و وجود ابهام در مغایرت آن اساسنامه‌ها با موازین شرع و قانون اساسی، وجود آن‌ها تا ارائه اساسنامه‌ای که مغایر با قانون اساسی و موازین شرعی نباشد، دارای ابهام است».^(۸)

مشابه این نظر را می‌توان در نظرهای مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان نیز مشاهده کرد. در نامه‌ی شماره‌ی ۹۲/۷۰۳/ف مورخ ۹۲/۱۲/۶ مجمع مذکور آمده است: «شرکت ملی نفت اساسنامه ندارد و شرکت بدون اساسنامه رسمیت نداشته و قانونیت ندارد و لذا شرکت ملی نفت قانونی و رسمی نمی‌باشد».^(۹)

حال باید دید که از حیث حقوقی چه ادله‌ای را می‌توان به‌منظور اثبات فقدان اساسنامه برای شرکت‌های مذکور اقامه کرد.^(۱۰) در ادامه این ادله جداگانه طرح و بررسی می‌شود.

۱-۱. آزمایشی بودن اساسنامه‌های مصوب

براساس ماده‌ی ۶۵ قانون اساسنامه‌ی شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۵۶ «دولت اساسنامه‌های شرکت ملی گاز ایران و شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران را ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون جهت تصویب کمیسیون‌های مربوط مجلسین تقدیم خواهد کرد. اساسنامه‌های فوق‌الذکر برای دو سال به‌عنوان آزمایش اجراء خواهد شد و اصلاحات بعدی با تصویب کمیسیون‌های مربوط قابل اجرا خواهد بود. دولت موظف است ظرف مهلت مذکور اساسنامه‌های نهایی را جهت تصویب کمیسیون‌های مربوط مجلسین تقدیم کند». از این‌رو همان‌گونه‌که گفته شد، اساسنامه‌های مذکور در ۲۱ و ۲۵ آبان‌ماه ۱۳۵۶ به تصویب کمیسیون‌های مجلسین وقت رسیده، ولی با توجه به اتمام مهلت اجرای دوساله‌ی آن‌ها و ارائه نکردن اساسنامه‌ی نهایی به مجلس، اساسنامه‌های مصوب مذکور، در حال حاضر معتبر نیستند و در خصوص این دو شرکت خلأ قانونی وجود دارد.

قبل از بیان پاسخ در خصوص این استدلال، باید به این نکته توجه کرد که بر فرض پذیرش استدلال مذکور، این استدلال صرفاً در مورد دو شرکت ملی گاز و صنایع پتروشیمی قابل بیان است و نمی‌توان آن را شامل شرکت ملی نفت نیز دانست.

در خصوص استناد به آزمایشی بودن اساسنامه‌های مصوب، باید توجه داشت که صحیح است که اساسنامه‌های شرکت‌های گاز و پتروشیمی به‌صورت آزمایشی و دوساله به تصویب رسیده، ولی نباید قبل از فحوص از دلیل استمرار، حکم به پایان عمر این اساسنامه‌ها داد. پس از اینکه به حکم ماده‌ی ۱ لایحه‌ی قانونی تأسیس وزارت نفت مصوب ۱۳۵۸/۷/۸ شورای انقلاب مقرر شد که «به موجب این قانون وزارتخانه‌ای به نام وزارت نفت تأسیس می‌گردد. شرکت ملی نفت ایران و شرکت ملی صنایع پتروشیمی و شرکت ملی گاز ایران و شرکت‌های تابعه در ابواب جمعی وزارت نفت قرار می‌گیرند و وابسته به آن خواهند بود»، در ماده‌ی ۳ همین مصوبه بیان شد که «وزارت نفت، سازمان و تشکیلات و آیین‌نامه‌های خود و شرکت‌های تابعه را ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون تهیه خواهد کرد تا پس از تصویب هیئت وزیران به موقع اجرا گذارده شود. تا زمانی که سازمان و مقررات فوق‌الذکر به تصویب نرسیده و ابلاغ نشده است، شرکت‌های سه‌گانه فوق برطبق اساسنامه‌ها و ضوابط و مقررات موجود عمل خواهند کرد». مشابه این حکم در ماده‌ی ۴ لایحه‌ی قانونی متمم لایحه‌ی قانونی تأسیس

وزارت نفت مصوب ۱۳۵۹/۳/۲۹ شورای انقلاب نیز آمده است. براساس این ماده «اعتبار اساسنامه‌های فعلی شرکت ملی نفت ایران، شرکت ملی گاز ایران و شرکت ملی صنایع پتروشیمی تا تصویب اساسنامه شرکت‌های جدید موضوع ماده ۳ قانون^(۱۱) کماکان به قوت خود باقیست». از این رو به صراحت در قوانین، حکم به استمرار اعتبار و اجرای اساسنامه‌های آزمایشی تا زمان تصویب مقرره‌ی جایگزین داده شده است و استدلال و استناد مذکور قابل پذیرش نیست.

۱-۲. نسخ اساسنامه‌ی شرکت‌ها به وسیله‌ی قانون نفت مصوب ۱۳۶۶

دلیل دیگر در زمینه‌ی اثبات دیدگاه نخست، عدم تصویب اساسنامه‌ی شرکت‌های مذکور توسط مجلس شورای اسلامی است. براساس ماده‌ی ۴ قانون نفت مصوب ۱۳۶۶/۷/۹ «وزارت نفت برای انجام عملیات نفتی و بهره‌برداری در سراسر کشور و فلات قاره و دریاها می‌تواند شرکت‌هایی را تأسیس نماید. اساسنامه‌های شرکت‌های نفت و گاز و پتروشیمی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی به مورد اجراء گذارده خواهد شد. تصویب اساسنامه‌های سایر شرکت‌ها با هیأت وزیران خواهد بود». طبق تبصره‌ی این ماده «وزارت نفت مکلف است از تاریخ تصویب این قانون، اساسنامه‌های شرکت‌های نفت، گاز و پتروشیمی را ظرف مدت یک سال جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید». از این ماده چنین برمی‌آید که باید اساسنامه‌ی شرکت‌های مزبور، توسط وزارت نفت تهیه و برای تصویب به مجلس ارائه شود که البته چنین نشده است.^(۱۲) از این رو موجودیت حقوقی این سه شرکت محل تأمل و ایراد خواهد بود. ضمن اینکه با توجه به این ماده، اساسنامه‌های مصوب سال ۱۳۵۶ دیگر لازم‌الاجرا نیست و باید آن‌ها را با تصویب این مقرره منسوخ دانست. نظریه‌ای را که پیش از این از مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان نقل شد و در آن شرکت ملی نفت بدون اساسنامه دانسته شده و موجودیت حقوقی آن زیر سؤال رفته بود می‌توان در همین راستا ارزیابی کرد. در خصوص این استدلال، می‌توان نکات مختلف زیر را بیان کرد:

الف - توجه به مشروح مذاکرات تصویب این قانون

از مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی در جلسات ۱۳۶۶/۷/۷ و ۱۳۶۶/۷/۹ در خصوص تصویب قانون فوق به‌خصوص در زمان تصویب مواد ۴ و ۱۲ آن، برمی‌آید که این دغدغه در میان نمایندگان مجلس و وزارت نفت وجود داشته که قانون به‌نحوی تصویب نشود که اعتبار اساسنامه‌های موجود شرکت‌های نفت و گاز و پتروشیمی را مخدوش کند. این شرکت‌ها در آن زمان وجود داشته و مشغول به کار بوده‌اند. مقصود از تصویب این مقرره در

خصوصاً اساسنامه‌ها آن بوده که لازم است اساسنامه‌هایی جدید متناسب با نیازهای روز این شرکت‌ها تهیه شده و به تصویب مجلس برسد و اساسنامه‌ی سایر شرکت‌های وابسته به وزارت نفت، توسط دولت تصویب شود.^(۱۳)

شایان ذکر است که قبل از آن، در ۱۳۶۱/۱۲/۱۵ مجلس طرحی را با عنوان «طرح قانونی الزام دولت جهت تنظیم لایحه‌ی قانونی نفت» به تصویب رساند که براساس ماده‌ی واحده‌ی آن «از تاریخ تصویب این قانون وزارت نفت موظف است ظرف مدت چهار ماه لایحه نفت و اساسنامه مؤسسات تابعه خود را منطبق بر موازین اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تهیه و طبق اصل ۷۴ قانون اساسی به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید». طبق مشروح مذاکرات مجلس در این جلسه، نمایندگان معتقد بودند که اساسنامه‌ی شرکت‌های سه‌گانه که مورد عمل نیز است، با موازین شرعی و قانون اساسی انطباق ندارد و از این رو باید متن جدیدی در این زمینه به تصویب مجلس برسد، ولی هیچ‌کدام قائل به لازم‌الاتباع نبودن آن اساسنامه‌ها نبودند. صرفاً گفته می‌شد موارد خلاف شرع یا قانون اساسی نباید اجرا شود که البته به گفته‌ی معاون وزیر نفت که در جلسه حضور داشت، این موارد (موارد مغایر با موازین شرع و قانون اساسی) عملاً اجرا نمی‌شود (سخنان آقای شهاب معاون وزیر نفت، در مشروح مذاکرات مجلس مورخ ۱۳۶۱/۱۲/۱۵ موجود در نرم‌افزار لوح مشروح).

ب- تحلیل متن ماده‌ی ۴ قانون نفت

از بررسی متن مواد مصوب نیز چنین برداشت می‌شود که نمی‌توان اساسنامه‌های مصوب را ملغی دانست. آنچه را که در ماده‌ی ۴ قانون نفت مصوب ۱۳۶۶ آمده است می‌توان به دو قسمت تقسیم کرد:

اول؛ اجازه به وزارت نفت به منظور تأسیس شرکت‌هایی برای اجرای عملیات نفتی و بهره‌برداری در سراسر کشور و فلات قاره و دریاها. در صورت تأسیس چنین شرکت‌هایی، اساسنامه‌ی آن‌ها به تصویب هیأت وزیران می‌رسد؛

دوم؛ به رسمیت شناختن شرکت‌های نفت، گاز و پتروشیمی و لزوم ارائه‌ی لایحه‌ی اساسنامه‌ی جدید در خصوص این شرکت‌ها به مجلس ظرف یک سال و تصویب آن توسط مجلس.^(۱۴) توضیح آنکه صدر ماده‌ی مذکور ناظر به تأسیس مجدد شرکت‌های سه‌گانه و شرکت‌های وابسته و فرعی نیست. بلکه در این قسمت، اصل صلاحیت وزارت نفت برای تأسیس شرکت‌های لازم بیان شده است که البته برخی قبلاً به موجب قوانین لازم‌الاجرای آن زمان ایجاد شده‌اند و وزارت نفت می‌تواند پس از آن، به استناد ماده‌ی مذکور، به تأسیس شرکت‌های دیگر

که لازم می‌داند نیز اقدام کند. این قانون در صدد جمع‌آوری و به‌روزرآوری قوانین موجود در موضوع نفت بوده و از این‌رو صلاحیت‌های وزارت نفت و حدود اختیارات آن را تا حد امکان بیان کرده است. در خصوص صلاحیت وزارت نفت در مورد تأسیس شرکت‌های جدید، پیشتر در ماده‌ی ۲ لایحه‌ی قانونی متمم لایحه‌ی قانونی تأسیس وزارت نفت مصوب شورای انقلاب، تصریح وجود داشت. این صلاحیت در ماده‌ی ۴ قانون نفت تکرار شد.

برای تبیین بیشتر موضوع مذکور باید توجه داشت که وقتی سازمانی وجود دارد و مشغول به‌کار است، تصویب قانون جدید، اعم از قانون عادی یا اساسی در مورد آن، مبنی بر اینکه همان سازمان تشکیل می‌شود، به چه معناست؟ آیا می‌توان گفت به موجب این قانون، سازمان موجود از بین می‌رود و مجدداً سازمان دیگری با همان نام و وظایف ایجاد می‌شود؟ به نظر می‌رسد در تمام موارد چنین نیست. گاه، همانند آنچه در مورد شرکت‌های سه‌گانه رخ داده است، این شرکت‌ها سال‌ها قبل از تصویب قانون نفت تأسیس شده و مشغول به فعالیت بوده‌اند و لازم است کماکان به فعالیت خود، بدون انقطاع، ادامه دهند و فقط باید برخی از مقررات حاکم بر آن‌ها تغییر کند. از این‌رو منطقی نیست که قانون نفت آن‌ها را منحل کند، هرچند صحیح است که از مقررات حاکم بر آن‌ها ناراضی باشد و دولت را الزام کند که لایحه‌ای حاوی مقررات جدید برای این شرکت‌ها تنظیم و به مجلس ارائه کند. ولی انحلال این شرکت‌ها با این قانون، نه منطقی است و نه عملی. مجلس با توجه به ناراضی بودن از مفاد اساسنامه‌ها، مهلتی برای دولت مشخص و دولت را مکلف کرده که در آن فرصت، لایحه‌ای را تقدیم مجلس کند. معتبر دانستن اساسنامه‌های موجود تا زمان تصویب اساسنامه‌های جدید، منافاتی با این تکلیف دولت ندارد و رافع این وظیفه‌ی دولت نیست.

ج- توجه به چرایی تصویب ماده‌ی ۴ قانون نفت

پیشتر براساس بند «الف» ماده‌ی ۵ قانون اساسنامه‌ی شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۵۶، شرکت ملی نفت ایران به‌منظور تأمین مقاصد و انجام عملیات مذکور در ماده‌ی ۴ آن قانون، از صلاحیت ایجاد شرکت‌های فرعی و وابسته یا انحلال آنها برخوردار بوده است و بر همین مبنا در بند «ک» ماده‌ی ۳۵ قانون مذکور، هیأت مدیره مسئول تصویب اساسنامه‌ی شرکت‌های فرعی بود. از این‌رو به‌منظور ایفای نقش حاکمیتی و نظارتی وزارت نفت بر مجموعه‌ی صنعت نفت، این صلاحیت در لایحه‌ی قانون تأسیس وزارت نفت و همچنین در قانون نفت به وزارت نفت محول شد و مسئولیت تصویب اساسنامه‌ی آن‌ها به هیأت وزیران واگذار شد. در

صدر ماده‌ی ۴ قانون نفت نیز اصل این امر یعنی تأسیس شرکت جدید به رسمیت شناخته شد، ولی صلاحیت آن به وزارت نفت اعطا شد و لازم است اساسنامه‌ی شرکت‌های جدید نیز به تصویب هیأت وزیران برسد. به بیان دیگر، این ماده بدان معناست که غیر از مجلس، نهاد دیگری صلاحیت تصویب این اساسنامه‌ها را ندارد. این نکته با توجه به ادامه‌ی ماده‌ی ۴ قانون نفت آشکار می‌شود. ادامه‌ی ماده‌ی مذکور بر صلاحیت دولت در تصویب سایر اساسنامه‌ها تصریح می‌کند. از این رو این قسمت از ماده در صدد بیان مرجع تصویب اساسنامه‌ها و الزام دولت به ارائه‌ی لایحه‌ی اساسنامه‌هایی است که باید به تصویب مجلس برسد.

د- استناد به منطق حقوقی در تصویب قوانین

منطقی نیست مجلس به امید اینکه در خصوص نهادی، بعداً لایحه‌ای به مجلس تقدیم خواهد شد و به تصویب می‌رسد، قانون موجود را لغو و آن نهاد را فاقد مقررات کند. به هر حال، قانون بد، بهتر از بی‌قانونی است. از این رو نباید مصوبه‌ی مجلس را به نحوی تفسیر کرد که به این برداشت ناصواب منجر شود. قوانین متعددی را می‌توان مشاهده کرد، به خصوص در دهه‌ی ۶۰، که مجلس دولت را مکلف به ارائه‌ی لایحه کرده است. این تکلیف در هیچ موردی به معنای لغو قوانین موجود دانسته نشده است.^(۱۵)

ه- توجه به سابقه‌ی موضوع

در قوانین قبلی که در مورد وزارت نفت و شرکت‌های وابسته به آن تصویب شده نیز بر این نکته تصریح شده که تا تصویب اساسنامه‌های جدید، اساسنامه‌های قبلی لازم‌الاجراست. لایحه‌ی قانون تأسیس وزارت نفت و لایحه‌ی قانون متمم آن که هر دو مصوب شورای انقلاب هستند، از آن جمله‌اند.

و- استناد به ماده‌ی ۱۲ قانون نفت

براساس ماده‌ی ۱۲ قانون نفت «با تصویب این قانون هر گونه قوانین و مغایر با این قانون ملغی است». اصل اساسنامه‌های شرکت‌های سه‌گانه‌ی مذکور، مغایر با قانون نفت نیست، هرچند برخی از احکام آن با قانون نفت مغایرت دارد و در نتیجه، با تصویب قانون نفت یا هر قانون دیگری، آن احکام را باید منسوخ دانست. نسخ قوانین سابق با قوانین بعد، امری معمول در تقنین است و ایراد بنیادین ندارد. ممکن است نسخ در خصوص تمام مواد یک قانون رخ دهد و برخی از مواد یا حتی قسمتی از احکام مقرر در یک قانون منسوخ شود. در مورد اساسنامه‌های شرکت‌های مذکور نیز گاه نسخ جزئی اتفاق افتاده است، ولی نمی‌توان قائل به نسخ کلی آن‌ها شد.

ز- عملکرد مجلس و سایر نهادهای مؤثر در تقنین، پس از تصویب قانون نفت

مجلس در قوانین بعد از سال ۱۳۶۶ به‌طور مکرر و متوالی از شرکت‌های سه‌گانه نام برده و در مورد آن‌ها حکم صادر کرده است و وظایف و اختیاراتی را برای آن‌ها تعیین کرده و شورای نگهبان نیز آن‌ها را تأیید کرده است.^(۱۶) این امر با پذیرش اعتبار اساسنامه‌ی این شرکت‌ها ملازمه دارد، چراکه هر شخص حقوقی توسط اشخاص حقیقی که مدیران شرکت هستند، اداره می‌شود و ارکان شرکت (مجمع عمومی، هیأت مدیره و بازرسان) در اساسنامه‌ی شرکت مشخص می‌شوند و اگر شرکت‌های مذکور، طرف خطاب مقنن قرار گرفته‌اند، در واقع مجمع عمومی و مدیران شرکت باید احکام مقنن را اجرا کنند؛ این امر بدین معناست که قانونگذار اصل اساسنامه‌ی آن‌ها را قبول کرده و با علم به این موضوع، احکامی را در خلال قوانین مختلف برای آن‌ها وضع کرده است تا توسط ارکان شرکت اجرا شوند. برای مثال قانونگذار در تبصره‌ی الحاقی به ماده‌ی ۶۰ اصلاحی قانون برنامه‌ی سوم توسعه مصوب ۱۳۸۱، مجمع عمومی شرکت ملی نفت ایران را موظف کرد با رعایت مفاد ماده‌ی ۲ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، به اصلاح ارقام بودجه‌ی مصوب شرکت ملی نفت ایران متناسب با مجوز موضوع این تبصره اقدام کند. همچنین در ماده‌ی ۴ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب ۱۳۹۱، وزیر نفت به‌عنوان رئیس مجمع عمومی نمایندگان صاحب سهام شرکت‌های اصلی تابع وزارت نفت تعیین شده است. براساس بند ۱۸ ماده‌ی ۱ اصلاحی قانون نفت مصوب ۱۳۹۰، منظور از شرکت‌های اصلی تابع وزارت نفت، شرکت‌های ملی نفت، گاز و پتروشیمی و پالایش و پخش فراورده‌های نفتی ایران است. از این‌رو وقتی قانونگذار مجمع عمومی این شرکت‌ها را مورد حکم قرار می‌دهد، بدین معناست که به جایگاه این رکن اساسی شرکت‌های مذکور مندرج در اساسنامه‌های آن‌ها عنایت داشته و اساساً ترکیب اعضای مجمع عمومی این شرکت‌ها در اساسنامه‌های سه‌گانه مورد حکم قرار گرفته است و نه در جای دیگر. ممکن است گفته شود که چنین احکامی برای اساسنامه‌هایی است که بعداً تصویب می‌شود. ولی چنین فرضی صحیح نیست، چراکه مقنن برای حل مشکلات زمان حال قانون وضع می‌کند و تعیین گزاره‌ای برای درج در قانونی که معلوم نیست در چه زمانی به تصویب می‌رسد، بلافایده است. ضمن اینکه مقنن در زمان تصویب چنین قانونی، مقصود خود را در آن بیان خواهد کرد و نیازی نیست که از قبل، در این خصوص اعلام موضع کند.

در جزء ۱ بند «ج» سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی ابلاغی مقام رهبری نیز شرکت

ملی نفت ایران و شرکت‌های استخراج و تولید نفت خام و گاز نام برده شده و از شمول واگذاری به بخش غیردولتی خارج شده‌اند. از این رو با توجه به ذکر نام این شرکت‌ها در سیاست‌های کلی نظام، آیا می‌توان پذیرفت که شرکتی بدون اساسنامه‌ی مصوب قانونی وجود داشته باشد و در نبود احکام قانونی لازم، یعنی حدود وظایف و اختیارات و ارکان آن که همگی ماهیت اساسنامه‌ای دارند، قادر به ادامه‌ی حیات خود باشد و طرف خطاب و مورد حکم مراجع صلاحیتدار قانونی قرار گیرد.

۲. دیدگاه اعتبار اساسنامه‌های شرکت‌های نفت، گاز و پتروشیمی

بر اساس این دیدگاه که در مقابل دیدگاه نخست قرار دارد، اساسنامه‌ی شرکت‌های مذکور کماکان معتبر بوده و لازم‌الاتباع است. البته لازم‌الاجرا دانستن اساسنامه‌های شرکت‌های مذکور به این معنا نیست که تمامی احکام آن‌ها در حال حاضر لازم‌الاتباع است، بلکه باید قوانین مختلفی را که احکامی مغایر با مقررات آن اساسنامه‌ها را در بر دارد (برای مثال شخصی به‌عنوان رئیس مجمع عمومی آن‌ها تعیین شده یا وظیفه‌ای از وظایف آن‌ها به نهاد دیگری محول شده است)، نیز در نظر گرفت. بر این اساس، ممکن است برخی از احکام مقرر در اساسنامه‌ها اصلاح شده باشد، ولی کلیت آن‌ها همچنان اعتبار دارد.

این دیدگاه در آرای مختلف هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مشاهده می‌شود. برای مثال در دادنامه‌ی شماره‌ی ۶۴۹ مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۸ به ماده‌ی ۷ و بند «ک» ماده‌ی ۲۲ قانون اساسنامه‌ی شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۵۶ استناد شده و تلویحاً این اساسنامه معتبر دانسته شده است.^(۱۷)

در اثبات این دیدگاه، می‌توان گفت اصل بر این است که پس از تصویب قانونی توسط مرجع ذیصلاح، تا زمانی که نسخ نشده یا زمان اجرای آن به پایان نرسیده است، باید آن را لازم‌الاجرا دانست و از آن تبعیت کرد. اساسنامه‌ی شرکت‌های مذکور نیز چنین‌اند و در سال ۱۳۵۶ حسب مورد به تصویب مجلسین وقت یا کمیسیون‌های آن‌ها رسیده و مصوبات کمیسیون‌ها نیز که موقت بوده‌اند، در سال ۱۳۵۸ توسط شورای انقلاب، که در آن زمان، مرجع ذیصلاح در زمان خود بوده، تا زمان تصویب مقررات جایگزین، معتبر اعلام شده است. ادله‌ای که می‌توان برای کنار زدن این اصل اقامه کرد نیز همان مواردی است که در ذیل دیدگاه نخست بیان شد و مخدوش بودن آنها مشخص گردید.

در تأیید این دیدگاه می‌توان گفت هرچند مهم‌ترین دغدغه‌ی نمایندگان مجلس در جریان مذاکرات در زمینه‌ی موضوع صنعت نفت و ساماندهی آن، بحث مغایرت برخی از مواد اساسنامه‌ها با موازین شرع و قانون اساسی بود،^(۱۸) در این زمینه باید توجه داشت که در کشور ما قوانین متعددی وجود دارد که قبل از انقلاب اسلامی به تصویب مجلس رسیده و به‌رغم اینکه با قانون اساسی جمهوری اسلامی و موازین شرع انطباق داده نشده است، همچنان لازم‌الاجرا دانسته می‌شود. قوانین مختلف و مهمی از جمله قانون پولی بانکی مصوب ۱۳۵۱، قانون برنامه و بودجه مصوب ۱۳۵۱، قانون تجارت مصوب ۱۳۱۳، قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ و صدها قانون دیگر چنین است و نمی‌توان به صرف اینکه این قوانین قبل از انقلاب به تصویب رسیده‌اند، آن‌ها را ملغی اعلام کرد. در صورت مغایرت این قوانین با موازین شرعی یا قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، راه اصلاح یا لغو آن‌ها باز است، ولی این کار به بررسی تغایر و نیز تصریح بر لغو نیاز دارد. کمااینکه بارها اصلاحاتی صریح یا ضمنی در مفاد قوانین مذکور انجام گرفته است.

در صورت ناسازگاری اساسنامه‌ی شرکت‌های مذکور با موازین شرع یا قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، می‌توان مواد مربوطه را اصلاح کرد یا آن‌ها را لغو کرد، ولی ملغی دانستن کل مواد و مفاد اساسنامه‌ها، فاقد توجیه حقوقی به‌نظر می‌رسد. بر این اساس، استدلالی که از شورای نگهبان در این خصوص نقل شده^(۱۹)، مبنی بر اینکه «به‌دلیل تصویب اساسنامه‌ی این شرکت‌ها قبل از انقلاب اسلامی و وجود ابهام در مغایرت آن اساسنامه‌ها با موازین شرع و قانون اساسی، وجود آن‌ها تا ارائه اساسنامه‌ای که مغایر با قانون اساسی و موازین شرعی نباشد، دارای ابهام است»^(۲۰) قابل پذیرش نیست.

برای رفع مغایرت احتمالی اساسنامه‌های مزبور با موازین شرع و قانون اساسی، یا باید طرح یا لایحه‌ای به مجلس ارائه و بررسی شود یا صلاحیت ابتدایی شورای نگهبان در خصوص تطبیق قوانین قبل از انقلاب با موازین شرع و قانون اساسی پذیرفته شود. شورای نگهبان با استناد به اصل ۴ قانون اساسی، صلاحیت مذکور را در حد تطبیق با موازین شرع برای فقهای شورا تثبیت شده می‌داند و بارها به همین استناد، قوانین مصوب قبل از انقلاب را از حیث شرعی بررسی و برخی را مغایر با شرع اعلام کرده است،^(۲۱) ولی هنوز چنین صلاحیتی را در خصوص تطبیق با اصول قانون اساسی برای خود به رسمیت نشناخته است،^(۲۲) هرچند ادله‌ای در خصوص این صلاحیت بیان شده است.^(۲۳) به هر حال، قبل از پیمودن این مسیر، نمی‌توان اساسنامه‌های مزبور را ملغی دانست.

نتیجه‌گیری

هرچند اساسنامه‌ی سه شرکت بزرگ و مهم فعال در حوزه‌ی انرژی (شرکت ملی نفت، گاز و پتروشیمی) در سال ۱۳۵۶ به تصویب مجلسین یا کمیسیون‌های مربوطه رسیده و ظاهراً این اساسنامه‌ها مغایر با موازین شرع و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است و به همین دلیل نیز مجلس از ابتدا تا کنون بارها از دولت خواسته که لایحه‌ی اصلاحیه‌ی را برای این اساسنامه‌ها به مجلس تقدیم کند، این مهم تاکنون جامه‌ی عمل نپوشیده است. با وجود این، نمی‌توان اساسنامه‌های مذکور را در حال حاضر ملغی دانست، چراکه حکم صریح قانونی در این مورد وجود ندارد و منطق حقوقی نیز نمی‌پذیرد که بدون تعیین تکلیف این شرکت‌های مهم، اساسنامه‌ی آن‌ها را لغو کرد. البته اصلاحاتی صریح یا ضمنی در مفاد این اساسنامه‌ها رخ داده، ولی کلیت این اساسنامه‌ها کماکان قابل استناد و لازم‌الاجراست.

ابهام ایرادگونه‌ای که شورای نگهبان بر وجود شرکت‌های مذکور وارد می‌کند نیز نه از حیث حقوقی صحیح به نظر می‌رسد و نه واجد اثر عملی است، چراکه عبارت «وزارت نفت از طریق شرکت‌های تابعه‌ی ذی‌ربط» که در مصوبات مجلس جایگزین نام شرکت‌های مذکور شده است، تغییری در ماهیت امر ایجاد نکرده و مکلف کردن شرکت‌هاست بدون ذکر نام آنها. البته هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در آرای متعدد، به درستی، اعتبار حقوقی اساسنامه‌های مذکور را پذیرفته و براساس آن رأی صادر کرده است. چنین تفاوتی در دیدگاه و عملکرد در میان دو مرجع عالی قانونی کشور، فارغ از مبنای این تفاوت، پسندیده نیست.

در صورت مغایرت اساسنامه‌های مذکور با موازین شرع یا قانون اساسی، راه حل آن مشخص است: شناسایی مغایرت‌ها و اصلاح آن‌ها. ولی معتبر ندانستن اساسنامه‌ها به بهانه‌ی وجود احتمالی مغایرت، فاقد منطق حقوقی و عملی است و رافع مشکل نیز نیست.

یادداشت‌ها

۱. در تبصره‌ی ماده‌ی ۴ قانون نفت مصوب ۱۳۶۶، این تکلیف به عهده‌ی «وزارت نفت» گذاشته شده است، ولی در موارد دیگر مثل جزء ۱۰ بند «د» تبصره‌ی ۱۱ ماده‌ی واحده‌ی قانون بودجه‌ی سال ۱۳۸۴ «دولت» عهده‌دار این وظیفه شمرده شده است. با توجه به اصل ۷۴ قانون اساسی، صحیح این است که این تکلیف را بر عهده‌ی دولت بدانیم و وزارت نفت صرفاً نقش تهیه‌کننده‌ی پیش‌نویس لایحه را دارد و تقدیم آن به مجلس منوط به تصویب در هیأت وزیران است.
۲. برای نمونه ر.ک: بند ۲ نظر شماره‌ی ۹۰/۳۰/۴۲۲۲۳ مورخ ۱۳۹۰/۲/۱۹ در خصوص لایحه‌ی بودجه‌ی سال ۱۳۹۰؛ نظر شماره‌ی ۸۹/۳۰/۴۰۹۶۸ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۶ درباره‌ی لایحه‌ی برنامه‌ی پنجم توسعه؛ بند ۲ نظر ۹۳/۱۰۰/۳۲۸۴ مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۲۱ در مورد طرح الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت.
۳. در این تبصره صرفاً نام شرکت‌های مذکور ذکر شده بود و ابهام شورا نیز به همین موضوع بازمی‌گردد.
۴. براساس آنچه در مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی در جلسه‌ی ۱۳۸۳/۱۲/۲۵ ثبت شده، از سخنان مخبر کمیسیون تلفیق مجلس این‌گونه برمی‌آید که شورای نگهبان ملاحظه‌ی امور اجرایی کشور را در تأیید مصوبه‌ی مجلس داشته است: «بنابراین ما برای اینکه این مشکل برطرف بشود، نماینده شورای محترم نگهبان هم دیروز در کمیسیون حضور داشتند، بهرحال پذیرفتند برای اینکه برای مملکت و کشور هم مشکلی ایجاد نشود، ما تا سه ماه مشروط بر اینکه واقعاً در طول این سه ماه دولت لایحه اساسنامه این سه شرکت را بیاورد، این را عبور کنند و از نظر اجرایی ما با مشکلی مواجه نشویم. من الان صحبت می‌کردم (هم با وزارت نفت، هم با سازمان مدیریت) آقایان قول دادند که ان‌شاءالله ظرف سه ماه (سه ماه اول سال ۸۴) تا پایان خردادماه ۸۴ ان‌شاءالله حتماً لایحه اساسنامه این سه شرکت را خواهند آورد» (مشروح مذاکرات مجلس در ۱۳۸۳/۱۲/۲۵ موجود در نرم‌افزار لوح مشروح). البته با توجه به اینکه مشروح مذاکرات شورای نگهبان در این خصوص موجود نیست، نمی‌توان در این مورد اظهار نظر قطعی کرد.
۵. برای مشاهده‌ی برخی از این موارد ر.ک: نظرات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس در خصوص لوایح بودجه‌ی سال‌های ۱۳۸۵ به بعد، طرح اصلاح قانون نفت مصوب ۱۳۹۰/۱/۳۰ و تاریخ اظهار نظر شورا ۱۳۹۰/۲/۱۴، طرح اصلاح الگوی مصرف انرژی مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۵ و تاریخ اظهار نظر شورا ۱۳۸۹/۱۰/۳۰، لایحه‌ی برنامه‌ی پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۹/۹/۱۷ و تاریخ اظهار نظر شورا ۱۳۸۹/۱۰/۶ و طرح الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۹۳/۹/۱۹ و تاریخ اظهار نظر شورا ۱۳۹۳/۱۰/۲۱. (مرکز تحقیقات شورای نگهبان، ۱۳۸۹ [الف]؛ پژوهشکده‌ی شورای نگهبان، ۱۳۹۳؛ و سامانه‌ی نظرات شورای نگهبان قابل دسترسی در آدرس زیر: <http://b2n.ir/shora.rc.ir>
۶. شایان ذکر است که با توجه به رویه‌ی مذکور شورای نگهبان، دولت و مجلس نیز در ارائه‌ی لوایح و

- طرح‌ها معمولاً عباراتی شبیه به عبارت مذکور در متن را به جای ذکر نام شرکت‌های مزبور به کار می‌برند و اگر موردی از این قاعده مستثنا شود، توسط شورای نگهبان با ابهام مذکور مواجه می‌شود. در این خصوص می‌توان برای نمونه به تبصره‌ی ۲ ماده‌ی واحده‌ی لایحه‌ی بودجه‌ی سال ۱۳۹۴ اشاره کرد که در آن از ابهام شورای نگهبان پیشگیری شده بود، ولی تبصره‌ی الحاقی ۷ که این نکته را مراعات نکرده بود، با ابهام شورا مواجه شد. ر.ک: <http://b2n.ir/shora.rc.ir3>
۷. ر.ک: مرکز تحقیقات شورای نگهبان، ۱۳۹۱: ۴۲۵؛ کوهی و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۳؛ کوهی اصفهانی، کاظم، نظرات استدلالی شورای نگهبان در بررسی لایحه‌ی برنامه‌ی پنجم توسعه‌ی جمهوری اسلامی ایران، ص: ۷۲ (ذیل بند «ب» ماده‌ی ۱۲۱ مکرر ۱ مصوبه). قابل دسترسی در آدرس زیر: <http://b2n.ir/shora.rc.ir1>
۸. ر.ک: برزگر خسروی، محمد، نظرات استدلالی شورای نگهبان در بررسی طرح حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آن‌ها در امر صادرات و اصلاح ماده‌ی ۱۰۴ قانون مالیات‌های مستقیم (مصوب ۱۳۹۱/۲/۳۱ و اظهار نظر شورا در تاریخ ۱۳۹۱/۳/۱۷)، ص ۵. قابل دسترسی در آدرس: <http://b2n.ir/shora.rc.ir2>
۹. قابل دسترسی در آدرس: <http://b2n.ir/shora.rc.ir4>
۱۰. همان‌طور که در مقدمه بیان شد، در خصوص موضوع این نوشتار، سابقه‌ی پژوهشی یافت نشد. از این رو ادله‌ای که در مقاله بیان می‌شود، گاه در جلسات کارشناسی بیان شده و گاه از باب «یمنکن ان یقال» است و لذا ذکر منبع برای تفصیل دلایل و قائلان به آن، ممکن نیست.
۱۱. مقصود از «قانون» در اینجا همان «لایحه‌ی قانونی تأسیس وزارت نفت مصوب ۱۳۵۸/۷/۸ شورای انقلاب» است.
۱۲. تبصره‌ی ماده‌ی ۴ به وزارت نفت مهلتی یکساله برای ارائه‌ی لایحه داده است. این مهلت ناظر بر زمان تقدیم لایحه‌ی اساسنامه به مجلس بوده و زمانی برای طی مراحل تصویب اساسنامه‌ها در مجلس مقرر نشده است. البته این ماده، مانع از ارائه‌ی طرح توسط نمایندگان مجلس نیست و حداقل ۱۵ نفر از نمایندگان مجلس می‌توانند براساس اصل ۷۴ قانون اساسی به این مهم اقدام کنند. شایان ذکر است طرح اساسنامه‌ی شرکت ملی نفت ایران در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۳ توسط تعدادی از نمایندگان مجلس به منظور سیر مراحل قانونی به مجلس ارائه شد. برای مشاهده‌ی این طرح ر.ک: http://rc.majlis.ir/fa/legal_draft/show/886251
۱۳. از مطالب مندرج در صدر صفحه‌ی ۱۲ روزنامه‌ی رسمی به شماره‌ی ۱۲۴۳۰ که حاوی مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۶۶/۷/۹ است، به‌خوبی اراده‌ی عدم لغو اساسنامه‌های موجود استنباط می‌شود. ر.ک: <http://archive.ical.ir/files/debate/ip/02/02-453.pdf>
۱۴. همان‌طور که مشاهده می‌شود، ماده‌ی ۴ قانون نفت، بین اساسنامه‌ی سه شرکت نفت، گاز و پتروشیمی از یک سو و اساسنامه‌ی سایر شرکت‌های وابسته به وزارت نفت، تفکیک قائل شده و تصویب اساسنامه‌ی سه شرکت مذکور را در صلاحیت مجلس دانسته و تصویب اساسنامه‌ی سایر شرکت‌ها را به هیأت وزیران محول کرده است.

۱۵. برای مثال «قانون الزام ارائه‌ی طرح نظام و تشکیلات اداری جمهوری اسلامی به مجلس شورای اسلامی» مصوب ۱۳۶۰/۱۰/۱۸، «قانون الزام دولت در مورد تهیه‌ی لایحه‌ی خودکفایی شرکت‌های واحد اتوبوسرانی» مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۱۸ و «قانون الزام دولت به ارائه‌ی اصلاحیه‌ی قانون صندوق عمران مراتع و اساسنامه‌ی آن مصوب ۱۳۴۹/۱۲/۱۸» مصوب ۱۳۶۵/۳/۱۱ به معنای لغو قوانین موجود در این زمینه نبوده و صرفاً بیانگر این است که مجلس از وضع موجود در این حوزه‌ها رضایت ندارد و به هر دلیل، مایل به ارائه‌ی طرح در این خصوص نیست و از این رو دولت را ملزم به ارائه‌ی لایحه می‌کند.
۱۶. قبل از اینکه شورای نگهبان بر لایحه‌ی بودجه‌ی سال ۱۳۸۴، ابهام در خصوص وضعیت حقوقی شرکت‌های مذکور را وارد کند، در قوانین مختلف از جمله قانون بودجه، تکالیفی برای شرکت‌های مذکور مقرر می‌شد. برای مشاهده‌ی برخی از این موارد ر.ک: تبصره‌های ۲ و ۳۱ (بند ج) قانون بودجه‌ی سال ۱۳۶۷؛ تبصره‌های ۲، ۲۶ و ۲۷ قانون بودجه‌ی سال ۱۳۶۹؛ تبصره‌های ۲ و ۲۷ قانون بودجه‌ی سال ۱۳۷۲؛ تبصره‌های ۱ و ۱۲ قانون بودجه‌ی سال ۱۳۸۱.
۱۷. همچنین ر.ک: دادنامه‌های شماره‌ی ۵۱۶ مورخ ۱۳۸۷/۸/۵ و ۷۶۲ مورخ ۱۳۸۸/۱۰/۲۸. متن این دادنامه‌ها در لوح جامع قوانین و مقررات کشور، معاونت حقوقی ریاست جمهوری، نسخه‌ی ۴،۶،۱ قابل مشاهده است.
۱۸. در این خصوص می‌توان به مذاکرات جلسه‌ی ۱۳۶۱/۱۲/۱۵ مجلس شورای اسلامی مراجعه کرد.
۱۹. همان‌طور که در ذیل دیدگاه نخست بیان شد، دو استدلال از شورای نگهبان در خصوص چرایی ابهام در مصوبات مجلس نقل شده است: اول: ابهام در وجود شرکت‌ها، با توجه به عدم تصویب اساسنامه‌ی آن‌ها توسط مجلس شورای اسلامی؛ دوم: ابهام در مغایرت اساسنامه‌های مصوب قبل از انقلاب با موازین شرعی و قانون اساسی. نکاتی که در رد دیدگاه نخست گفته شد، می‌تواند رافع ابهام نخست باشد و آنچه در اینجا بیان شد، در جهت رفع ابهام اخیر است.
۲۰. ر.ک: نظرهای استدلالی شورای نگهبان در بررسی طرح حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آن‌ها در امر صادرات و اصلاح ماده‌ی ۱۰۴ قانون مالیات‌های مستقیم، ص ۵. قابل دسترسی در آدرس: <http://b2n.ir/shora.rc.ir2>
۲۱. برای مشاهده‌ی برخی از این موارد ر.ک: مهرپور، ۱۳۸۷: ۱۲۹-۲۲۶.
۲۲. شورای نگهبان در پاسخ به پرسشی در خصوص اعلام مغایرت یا عدم مغایرت قانون استقلال کانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۵۸ شورای انقلاب با قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره‌ی ۷۷/۲۱/۳۹۰۱ مورخ ۱۳۷۷/۹/۱۸ اعلام کرد: «ممکن است موادی از این قانون خلاف قانون اساسی باشد، لکن اظهار نظر در مورد خلاف قانون اساسی بودن قوانین گذشته از صلاحیت شورای نگهبان خارج است» (مرکز تحقیقات شورای نگهبان، ۱۳۸۹ [ب]: ۳۶۹).
۲۳. برای مشاهده‌ی دلایل صلاحیت‌های مذکور از حیث تطبیق با شرع و قانون اساسی ر.ک: فلاح‌زاده و درویش‌متولی، ۱۳۹۲: ۱۰۳-۱۲۲.

منابع و مآخذ

الف) کتب و مقالات

برزگر خسروی، محمد، نظرات استدلالی شورای نگهبان در بررسی طرح حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آن‌ها در امر صادرات و اصلاح ماده‌ی (۱۰۴) قانون مالیات‌های مستقیم. قابل دسترسی در آدرس زیر:

<http://b2n.ir/shora.rc.ir2>

پژوهشکده‌ی شورای نگهبان (۱۳۹۳)، مجموعه نظرات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی دوره‌ی هشتم (خرداد ۱۳۸۷ تا خرداد ۱۳۹۱)، پژوهشکده‌ی شورای نگهبان، چ اول.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۰)، ترمینولوژی حقوق، تهران: کتابخانه‌ی گنج دانش، چ ۱۱. فلاح‌زاده، علی محمد و میثم درویش متولی (۱۳۹۲)، «نظارت شورای نگهبان بر قوانین مصوب پیش از انقلاب و شورای انقلاب»، فصلنامه‌ی دانش حقوق عمومی، ش ۵، صص ۱۰۳-۱۲۲.

کوهی، کاظم و دیگران (۱۳۹۳)، مبانی نظرات شورای نگهبان در خصوص مصوبات و استفساریه‌های سال ۱۳۹۰ برگرفته از مشروح مذاکرات شورای نگهبان، تهران: پژوهشکده‌ی شورای نگهبان، چ اول.

کوهی اصفهانی، کاظم، نظرات استدلالی شورای نگهبان در بررسی لایحه‌ی برنامه‌ی پنجم توسعه‌ی جمهوری اسلامی ایران. قابل دسترسی در آدرس زیر:

<http://b2n.ir/shora.rc.ir1>

مرکز تحقیقات شورای نگهبان (۱۳۹۱)، مبانی آراء و نظرات شورای نگهبان مستنبط از مشروح مذاکرات سال ۱۳۸۷، تهران: معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری، چ اول.

مرکز تحقیقات شورای نگهبان، (۱۳۸۹[الف])، مجموعه نظرات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی دوره‌ی هفتم (خرداد ۱۳۸۳ تا خرداد ۱۳۸۷)، معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی رئیس‌جمهور.

مرکز تحقیقات شورای نگهبان، (۱۳۸۴)، مجموعه نظریات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی دوره‌ی ششم-سال چهارم (خرداد ۱۳۸۲ تا خرداد ۱۳۸۳)، نشر دادگستر، چ اول.

مرکز تحقیقات شورای نگهبان (۱۳۸۹[ب])، مجموعه نظریات شورای نگهبان تفسیری و

مشورتی در خصوص اصول قانون اساسی به انضمام استفساریه‌ها و تذکرات، معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری، چ دوم (ویرایش اول).

مهرپور، حسین (۱۳۸۷)، مجموعه نظریات شورای نگهبان (تفسیری و شرعی) دوره‌ی اول از تیر ۵۹ تا تیر ۶۵، تهران: دادگستر، چ اول.

ب) پایگاه‌های اینترنتی و نرم‌افزارها

لوح جامع قوانین و مقررات کشور، معاونت حقوقی ریاست جمهوری، نسخه‌ی ۴،۶،۱. نرم‌افزار لوح مشروح، حاوی مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی. سامانه‌ی نظرات شورای نگهبان، قابل دسترسی در آدرس زیر:

<http://b2n.ir/shora.rc.ir>

<http://www.ical.ir>

<http://www.shora-rc.ir>

<http://rc.majlis.ir>